

## پیش‌خوانی

**نظری بر خاطرات سیاسی زنده‌یاد آیت‌الله محمد مؤمن‌قمی**

## روزهای مبارزه روزهای خدمت

■ **شاهد توحیدی**



در روزهایی که ما را گذشت، عالم مجاهد آیت‌الله‌حاج‌شیخ محمد مؤمن‌قمی (دانش‌زاده) دار فانی را وداع گفت و حوزه و نظام اسلامی را برجسته خویش نشاناد. در چنین موسمی، معرفی کتاب خاطرات ایشان که سال‌ها قبل از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد، بهنگام به نظر می‌رسد. ناشر در مقدمه این اثر در باب شخصیت علمی و عملی آیت‌الله مؤمن آورده است: «آیت‌الله محمد مؤمن‌قمی از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم است که با استفاده از موقعیت علمی شهر قم، توانست در دروس علمای بزرگی همچون مرحوم علامه طباطبایی، شیخ مرتضی حائری، آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی شرکت کند و بهره‌های علمی وافر ی برد. دقت و تیزبینی در موضوعات علمی از ویژگی‌های بارز آیت‌الله مؤمن است. ایشان با وجود اشتغالات علمی و غوطه‌ور شدن در مباحثات علمی، فلسفی و اخلاقی از پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی نیز غافل نبود و با پیروی از حضرت امام در مبارزات مردمی نقش داشت. تبعید به شهادت که یکی از نقاط بد آب و هوای ایران است، گواه این ادعاست. بعد از پیروزی انقلاب نیز علاوه بر اهتمام به موضوعات علمی، تدریس و مباحثه در مسئولیت‌های مختلف انجام وظیفه کرد که عضویت در شورای نگهبان از فعالیت‌های برجسته ایشان است.

از خصوصیات اخلاقی آیت‌الله مؤمن می‌توان به تواضع و فروتنی ایشان اشاره کرد که این امر سبب شد تا در بیان و انتشار خاطرات دچار تردید شوند، اما اصرار مرکز اسناد این امر تحقق یافت و آنچه می‌خوانید مجموعه خاطرات آقای مؤمن است که



■ **آیت‌الله محمد مؤمن قمی در کنار آیات، محمد مهدی ربانی‌امشلی و مرتضی مقتدایی**

در مرکز اسناد قم ضبط شده و پس از بازنویسی و تدوین در سه فصل سامان یافته است. فصل اول به وضعیت خانواده، تحصیلات و اساتید می‌پردازد. در فصل دوم به خصوصیات علمی و اخلاقی استاد برجسته خود امام خمینی(ره) اشاره می‌کند و در فصل پایانی به پاره‌ای از موضوعات بعد از انقلاب مانند عضویت در شورای نگهبان و انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی می‌پردازد که از موضوعات مهم این فصل است.»

از فصول شاخص و مهم خاطرات حضرت آیت‌الله مؤمن، روایت‌هایی است که به مقطع حضور ایشان در شورای نگهبان مربوط می‌شود. ایشان در واپسین فراز از خاطرات خویش در باب نحوه تعامل این شورا با دولت دهه اول انقلاب خاطر نشان می‌شود: «واقعیت این است که شورای نگهبان هر گز به صورت خطی بر خورد نکرده و نادر چپیزی بر خلاف قانون از شوروی نگهبان برخوردار نباشد. بنده خودم تا به حال یک رای مصلحتی نداده‌ام و از محدوده‌ای که برای یک عضو شورای نگهبان تعیین شده است، فراتر نرفتم. حتی به برخی از آقایان شورا هم گفته‌ام که خلاص مز و حد تعیین شده حرکت کردن ممکن است خروج از وظیفه و خلاف شرع باشد.» به یاد دارم حضرت آیت‌الله آقای صافی می‌گفتند: پس اگر اینطور باشد، اگر شما قاضی باشی، لابد ممکن است بعضی از آقایان شورا را نیز بر هم بکنی!

وقتی مسئله‌ای به ما ارجاع می‌شد یا مربوط به شورای نگهبان بود و ما بر طبق موازین احیاناً به سود آقای میرحسین موسوی انجام می‌دادیم، طبعی که مقابل میرحسین موسوی بودند، قهراً واکنش نشان می‌دادند که چرا چنین کردید؟ برخی از افراد این طیف حتی با من رفاقت داشتند و در عین حال نیم ساعت و سه ربع صحبت می‌کردند که در فلان شورا از شوروی نگهبان آنگونه به سود میرحسین موسوی، نخست‌وزیر رای داد تا ایشان بتواند از این امر استفاده کند؟ ما می‌گفتیم: «رای‌مان قانونی است. ممکن است با آقای موسوی اختلاف سلیقه داشته باشیم، ولی این دلیل نمی‌شود در مقام رای دادن و تصمیم‌گیری این تفاوت سلیقه را لحاظ کنیم. امید است خداوند متعال همه‌مان را در طول عمر موفق بدارد تا وظیفه الهی خویش را بشناسیم و سر سوزنی از آن متحرف نشویم.»

■ **محمد رضا کائینی**

عالم ربانی و فقیهه والامقام حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مؤمن قمی پس از یک دوره بیماری روی از جهان برگرفت و رهسپار ابدیت گشت. اینک به همین مناسبت و در تکریم مجاهدات آن بزرگوار، گفت‌وشنودی با ایشان در باب حاشیه و متن انتخاب رهبری در خرداد ۱۳۶۸ را به شما تقدیم می‌دارم. امید آنکه مفید افتد.

■ ■ ■

**حضر تعالی در هیئت بازنگری قانون اساسی – که فرمان آن توسط حضرت امام صادر شد- شرکت داشتید. از چند و چون تشکیل آن هیئت و عملکرد آن بفرمایید؟**

بسم‌الله الرحمن الرحیم. حضرت امام حدود ۳۰ نفر را از بین فقهای شورای نگهبان، اعضای هیئت رئیسه مجلس خبرگان، بعضی از نمایندگان خیره و دانشمند مجلس و عده‌ای دیگر انتخاب کردند و جلسات بازنگری قانون اساسی از خرداد ماه سال ۱۳۶۸ تشکیل شدند. در آن دوره حضرت آیت‌الله جناب آقای خامنه‌ای (دامت برکاته) رئیس‌جمهور بودند و این جلسات با ریاست نایب‌رئسی ایشان در دفتر ریاست جمهوری تشکیل می‌شدند. علاوه بر این به ترتیب مواردی که باید بازنگری می‌شدند، در محل سابق مجلس شورای اسلامی هم کمیته‌ها و جلساتی تشکیل می‌شدند.

**کدام اصول مورد بازنگری قرار گرفتند؟**

ابتدا اصولی که مربوط به تعیین مقام رهبری بود، از جمله اصول ۴، ۵، ۱۰، ۱۰۷ و ۱۱۰ در کمیته مربوط به تعیین مقام رهبری بود. بررسی شدند. پس از یادداشت نظر کمیسیون توسط مخرن آن، تمام موارد مطرح شده، در جلسه عمومی و با حضور همه اعضای منصوب از سوی امام بررسی می‌شدند و پس از استماع نظرات اعضا، رأی‌گیری می‌شد.

**چه شد که تا روز از تحال حضرت امام، اصل مربوط به تعیین رهبری به تصویب کمیسیون نرسید؟**

برنامه بازنگری قانون اساسی طبق روال معمول پیش می‌رفت تا عصر روز ۱۳ خرداد که قرار بود کمیسیون



«حاشیه و متن انتخاب رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸»

**در گفت‌وشنود با زنده‌یاد آیت‌الله محمد مؤمن‌قمی**

# انتخاب قائم‌مقام رهبری از آغاز بر خلاف قانون اساسی بود

برای بررسی اصل تعیین مقام رهبری تشکیل جلسه بدهد، بعد از ظهر به کمیسیون رفتم، مرحوم آقای هاشمی، رفسنجانی به من گفتند که از دفتر امام خبر دادند که سریع خودم را به آنجا برسانم. هنوز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیامده بودند. آقای هاشمی تا کتید کردند؛ اگر آقای خامنه‌ای آمدند، به ایشان بگویید من به دفتر امام رفتم‌ام و حسن می‌زنم حال امام نامساعد باشد!

آقا که آمدند، همگی تصمیم گرفتیم به منزل امام برویم و هنوز غروب نشده بود که در آنجا بودیم. حضرت امام در اتاق بیمارستان، رو به قبله و زیر دستگاہ نقض مصنوعی بودند و مرحوم آقای مشکینی، آقای هاشمی، آقای امینی و برخی از اعضای شورای نگهبان و مجلس خبرگان در آنجا حضور داشتند.

**تصمیم‌گیری برای دعوت خبرگان سراسر کشور چه موقع صورت گرفت؟**

در همین ساعات و لحظات، آقایان خبرگان از من -که منشی هیئت رئیسه خبرگان بودم- خواستند که با تلفن دفتر حضرت امام، همه اعضای خبرگان سراسر کشور را دعوت کنم که سریعاً خود را به تهران برسانند تا بتوانند در جلسه فوق‌العاده خبرگان در ساعت ۸ صبح فردا شرکت کنند. در عین حال تصمیم گرفته شد‌ا از وضعیت حال امام خبری پخش نشود. تا دقایقی پس از اذان مغرب، این تماس‌ها را گرفتم و همه اعضای خبرگان را دعوت کردم که به‌سرعت خود را به تهران برسانند. نماز مغرب و عشا را اقامه کردم و بعد با نگرانی و اندوه، در بیت امام منتظر نشستیم تا سر انجام مرحوم حاج‌احمد آخچیر رحلت امام را دادند!

**از حال و هوای بیت امام و واکنش حضار نسبت به این رخداد بر ایمان بگویید؟**

سایه سنگین غمی بزرگ روی بیت امام افتاده بود. مردم جماران، همسایه‌ها و جمعیت زیادی اطراف دفتر امام جمع شده بودند تا از وضعیت ایشان آگاه شوند. حضار در بیت، مجموعاً بخش خبر رحلت امام را در ساعات پایانی شب صلاح ندیدند، لذا از طریق رادیو از مردم خواسته شد در مساجد و تکایا مراسم دعای توسل بر گزار کنند. مردم به‌تدریج آرام گرفتند و از ازدحام و سرر و صدای اطراف بیت امام کمی کاسته شد. بعد درباره اینکه آیا ضرورت

# خاریچ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۹۹

وصیتنامه و حضار داشتند، قرائت آن تا ظهر طول کشید. سپس اعلام شد که این جلسه عمومی بوده و در جلسه بعد از ظهر، فقط نمایندگان مجلس خبرگان شرکت خواهند کرد. پس از نماز و ناهار، جلسه خبرگان برای تعیین رهبری تشکیل شد. از آنجا که هنوز در قانون اساسی تغییری به وجود نیامده و مخصوصاً ویژگی‌های رهبری مورد بازبینی قرار نگرفته بود، موضوع تعیین رهبری، امر دشوار و مهمی بود.

**یکی از موضوعات مناقشه‌بر‌انگیز و مهم تاریخ انقلاب، بحث انتخاب آیت‌الله منتظری و سپس عزل ایشان توسط امام است. گفته می‌شود برای رسمیت بخشیدن به استعفای آقای منتظری، ابتدا کناره‌گیری ایشان به رأی گذاشته شد. اینطور نیست؟**

در اصل ۱۰۷ قانون اساسی قبل از بازنگری آمده بود که اگر فقهی‌ی مانند امام خمینی که واجد شرایط مذکور در اصل پنجم قانون اساسی است، توسط اکثریت قاطع مردم به رهبری برگزیده شد که موضوع مشخص است، ولی اگر اینگونه نبود، مجلس خبرگان منتخب مردم که صلاحیت بررسی این موضوع را دارند، باید مرجعی را که ویژگی‌های رهبر دارد، انتخاب و به مردم معرفی کنند و اگر باز هم این امر محقق نشد، باید سه یا پنج مرجع واجد شرایط، شورای رهبری را تشکیل بدهند.

اینکه اشاره کردید آیا بحث استعفای حضرت آیت‌الله منتظری از رهبری مطرح شد و ما این استعفا را قبول کردیم، این امری ورای قانون بود و صرفاً برای محکم‌کاری صورت گرفت. واقعیت این بود که ایشان در آن مقطع، اصلاً سمت قانونی در جایگاه رهبری نداشت. قبلاً هم موقعی که درباره تعیین قائم‌مقام رهبری بحث می‌شد، من همیشه تأکید می‌کردم که انتخاب رهبر جزو حقوق و اختیارات مجلس خبرگان است، مگر مثل مورد امام خود مردم به شکلی خودجوش فردی را انتخاب کنند. انتخاب فردی به عنوان قائم‌مقام رهبری، اصلاً جزو حقوق و اختیارات مجلس خبرگان نبود و من نمی‌دانم آقایان بر اساس کدام استدلال این کار را انجام داده بودند.

این کار خلاف قانون اساسی بود و پادم است بر ختی بزرگان هم این شبهه را قبول داشتند. من همان موقع این اشکال را مطرح کردم که مجلس خبرگان حق تعیین قائم‌مقام رهبری را ندارد و این کار با توجه به وظایف نمایندگی مجلس خبرگان امری غیر قانونی است، ولی آقایان به من گفتند: می‌دانیم غیر قانونی است، اما داریم زمینه‌سازی می‌کنیم که اگر وضعیت اضطراری پیش آید، کسی در دسترس ما باشد. صورت‌جلسه بحث قائم‌مقامی آقای منتظری موجود است. در آنجا از لحاظ قانونی، حتی برای ایشان محقق نشده بود که ضرورت داشته باشد در جلسه دیگری بحث استعفای ایشان را مطرح کنیم.

ایشان با تمام کمالاتی که داشتند، فقط هنگامی از نظر قانونی می‌توانستند رهبر باشند که پس از رحلت امام، مجلس خبرگان رهبری ایشان را انتخاب کرده باشد. بنابراین از لحاظ قانونی حتی به عنوان رهبری به ایشان داده نشده بود که با تصمیم مجلس خبرگان پس گرفته شود.

**بنابر این قاعداً بحث اصلی مجلس خبرگان، شورایی بودن یا فردی بودن رهبری بوده‌است. اینطور نیست؟**

بله؛ یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید درباره آن تصمیم‌گیری می‌شد، این بود که رهبری باید فردی باشد یا شورایی؟ طبق قانون اساسی و نظر حضرت امام، اگر کسی واجد شرایط رهبری و مرجعیت باشد، مجلس خبرگان او را انتخاب می‌کرد و اگر چنین شرایطی فراهم نبود، باید شورایی متشکل از سه یا پنج نفر تشکیل می‌شد تا رهبری را به عهده بگیرد. و سنجایی بود و همه اندوهگین بودند و اکثراً آری‌به سرانجام مجلس خبرگان به رهبری فردی رأی داد، اما قرار شد اسم هیچ‌یک از نامزدهای شورای رهبری را مراجع آورده نشود!

**قبل از روز ۱۴ خرداد که مجلس خبرگان برای تعیین رهبر آینده تشکیل شد، فی‌الجمله به مصداق یا مصادیق مشخصی رسیده بودید؟**

خبر، ولی در همین جلسه نام بعضی از مراجع هم مطرح شد تا اینکه ناگهان عده‌ای نام آقای خامنه‌ای را مطرح کردند. یادم است نخستین کسی که به این موضوع اعتراض کرد، خود ایشان بودند. ایشان ردیف‌های عقب مجلس نشستند بودند و به من عرض کردند: «آقای منتظری، خودشان را با افرادی که در آنجا حضور عده‌ای من نمی‌توانم این مسئولیت را بپذیرم... و مخالفت نکردند. مرحوم آقای آذری قمی که تقریباً به هیئت رئیسه مجلس نزدیک بودند، در دفاع از این پیشنهاد قبول کردند. در نتیجه قرار شد آقای خامنه‌ای وصیتنامه را قرائت کنند. آقای خامنه‌ای در این حرف‌های آذری، اگر بنده به عنوان رهبر انتخاب شوم، خود شما حاضرید از همه دستوراتم اطاعت کنید؟» ایشان گفتند: «قطعاً وظیفه شرعی من است که به آنچه شما می‌گویید عمل کنم!» با این حرف آقای آذری، دیگر اقا نتوانستند مخالفت کنند و بحث بر سر اهلیت ایشان برای رهبری شروع شد.

**آیا کسی مخالفت هم کرد؟**

به شکل جدی نه. مضافاً بر اینکه آقای هاشمی و آقای موسوی ار دبیلی شهادت دادند که از خود حضرت امام شنیده‌اند که آقای خامنه‌ای صلاحیت رهبری را دارند. همچنین از قول حاج احمد آقا هم مطلبی مبنی بر تأیید صلاحیت آقا توسط امام گفته شد. از قول حاج احمد آقا گفته شد که وقتی آقای خامنه‌ای به عنوان رئیس‌جمهور به کره می‌روند و تصویر ایشان از تلویزیون پخش می‌شود، حاج احمد آقا می‌گویند: ایشان رئیس‌جمهور برانده‌ای است و

# ۹ جوان

امام می‌فرمایند: برای رهبری هم صلاحیت دارند. رأی‌گیری خیلی طول نکشید، مصوبات مجلس خبرگان با موافقت نصف به علاوه یک حاضران اعتبار دارد، جز در مورد تأیید رهبر که موافقت دوسوم حاضران لازم است. اعضای خبرگان در سراسر کشور، ۸۴ نفر بودند. از نظر قانونی مجلس خبرگان با حضور دوسوم اعضا یعنی ۵۶ نفر رسمیت پیدا می‌کرد، لذا اگر مده‌ای یا ۲۹ رأی تأیید می‌شد، اعتبار داشت. در آن روز رأی‌گیری برای رهبری آقای خامنه‌ای انجام شد. موافقان را که شمردیم، به نظرم چهار پنجم حاضران و شاید هم بیشتر، به ایشان رأی داده بودند و به این ترتیب هنوز ۲۴ ساعت از رحلت امام نگذشته بود که رهبر انقلاب تعیین شد.

**کسانی که رأی منفی دادند استدلالشان چه بود؟**

آنها می‌گفتند: یکی از شرایط رهبری مرجعیت است و ایشان مرجع نیستند. حضرت امام به ما تکلیف کرده بودند که شرط مرجعیت را از شرایط رهبری برداریم، ولی هنوز کار بازنگری قانون اساسی به اتمام نرسیده بود و ما رأی‌گیری نکرده بودیم لذا دوباره برای بازنگری تشکیل جلسه دادیم. پس از بازنگری قانون اساسی، مردم در تیر یا مرداد، به طور قاطع به قانون اساسی بازنگری شده رأی مثبت دادند.

**ظاهراً مجلس خبرگان پس از تصویب قانون اساسی بازنگری شده هم، درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی‌گیری کرد. ماجرا از چه قرار بود؟**

بله؛ در مشهد بودم که به من خیرر دادند مجلس خبرگان مجدداً تشکیل جلسه خواهد داد تا درباره رهبریت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بحث و مجدداً تصمیم‌گیری کند که شک و شبهه‌ای وجود نداشته باشد. غرض این بود حالا که شرط مرجعیت از شرایط رهبری نظام حذف شده بود، مجدداً رأی‌گیری شود که کسی در این امر که در زمان رأی‌گیری، شرط مرجعیت برای رهبری، شرط لازمی بود و رأی‌گیری در زمانی صورت گرفته بود که ایشان مرجع نبودند، شک و شبهه‌ای نداشته باشد. جلسه مجلس خبرگان برگزار و رأی‌گیری انجام شد. پادم است این بار رأی موافق بیشتر از دفعه قبل شد!

**اینک که سال‌ها از این انتخاب می‌گذرد، دآوری شما درباره آن تصمیم تاریخی چیست؟ و ارتباط شما با رهبری چگونه است؟**

خدا را شکر می‌کنم که مجلس خبرگان انصافاً شایسته‌ترین فرد را برای این جایگاه انتخاب کرد. مرور زمان و شیوه رهبری داهیهانه ایشان -که کشور را با نهایت درایت و بصیرت از ترکه‌های مخوفی عبور دادند- مایه مباهات و افتخار است. واقعاً خوشحالم از

اینکه خبرگان بهترین انتخاب را انجام داد و طبیعی است هر کمکی که از دستم بر آید، برای حمایت و

تقویت جایگاه رهبری انجام خواهم داد. به من دلیل عضویت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان از ایشان ارتباط کاری دارم، ولی رابطه ما به دوران قبل از انقلاب برمی‌گردد و قبلاً هم با ایشان آشنا بودم و ارتباط داشتم. در آن دوره ما با ایشان جلسات متعددی داشتیم که حدود ۲۰ نفر در آنها شرکت می‌کردند این جلسات در تهران، مشهد و قم برگزار می‌شدند. انصافاً حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از رهبر شدن، جهات دینی، معنوی و اخلاقی‌شان، بسیار بیشتر از سابق بروز پیدا کرد و همین تقوا و توجه به خدا را در اداره نظام اسلامی نشان دادند. امیدوارم خداوند به ایشان سلامتی کامل عطا کند که بتوانند این مسئولیت سنگین را همچنان با بصیرت بر عهده داشته باشند و رهبری ایشان همچنان استمرار یابد تا این نظام به دست حضرت ولی‌عصر (عج) برسد.

**حضر تعالی در جلسات فقهی مقام معظم رهبری هم شرکت کردید. با توجه به این نشست‌ها، جایگاه و توانمندی علمی ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

پس از انتخاب آقا به رهبری انقلاب، خدمت ایشان عرض کردم شایسته است که شما با حضور عده‌ای از علما پیدا کرد و جلساتی را برای بررسی مسائل فقهی تشکیل بدهید تا مراتب علمی شما توسط افرادی که در این جلسات شرکت می‌کنند، منمکس و شایستگی شما از این طریق برای همه محرز شود. ایشان فرمودند: من مسئله‌های فراوانی دارم و نمی‌توانم این کار را انجام بدهم. ما اصرار کردیم و بعد از مدتی که رهبری ایشان استقرار پیدا کرد و زمان مناسب فرا رسید، ایشان جلساتی را با حضور عده‌ای از علما تشکیل دادند و با درایتی که دارند، فرمودند: همه فقهای منصوب حضرت امام باید در جلسه حضور داشته باشند لذا من و سایر فقهای شورای نگهبان در این جلسات حضور یافتیم. قرار شد مسائل فقهی و مورد نیاز نظام مطرح شوند و هر بار یکی از اعضا، مسئولیت بررسی آن مسئله را با تکیه بر قرآن و روایات به عهده بگیرد. بعد از آن مطالب به صورت جزوه تهیه و تکثیر شوند و در اختیار حاضرین در جلسه قرار گیرد. درباره موضوعات آن بحث شود.

بنابر این برخلاف آنچه معروف است این جلسات مربوط به شورای استفتا است، اینگونه نبود و در واقع نشست‌های فقهی بوده‌اند.

**خود آقا هم موضوعاتی را به عهده گرفتند؟**

بله، گمانه‌دومین موضوع زکات بود که ایشان به عهده گرفتند و به صورت جزوه مکتوب شد. من این مطالب را با دستخط خود آقایان گردآوری کرده‌ام که در بین آنها دستخط حضرت آقا و آیات خزعلی، محمدی گیلانی، مهدوی‌کنی، سیدمحمود شاهرودی، امامی کاشانی و بزدی موجود است. من و آقای شاهرودی از همه بیشتر می‌نوشتیم. حضرت آقا تمام این جزوات را با دقت فراوان مطالعه می‌کردند. در پی این جلسات بود که متوجه شدم ایشان از نظر علمی و اجتهادی بسیار توانمند هستند.